

## تحلیل ریخت‌شناسی منظومه‌ ویس و رامین بر اساس الگوهای ریخت‌شناسی ولادیمیر پراپ

زهرة سرمد

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

سال شانزدهم، شماره دهم، دی ۱۴۰۲، شماره پی در پی ۹۲، صص ۲۰۸-۱۸۷

DOI: 10.22034/bahareadab.2024.10.7150

### نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

#### چکیده:

**زمینه و هدف:** فرمالیسم یکی از مکتب‌های نقد ادبی است که به صورت و فرم اثر ادبی توجه دارد و در پیدایی نظریه ساختارگرایی، نقش عمده‌ای داشته است. بهترین حوزه جهت نظریه‌های فرمالیستی و ساختارگرایی، قصه‌های عامیانه، فولکلوریک و بومی است. بنا بر دیدگاه فرمالیستی همه این قصه‌ها ضمن داشتن پرسوناژهای متغیر، خویشکاری، کارکرد و کنشهای محدود و مشخصی دارند. منظومه‌ ویس و رامین نیز زائر عاشقانه‌ای با پرسوناژهای متغیر و کنشهای مشخص است. در این مقاله سعی بر این است که نقشمایه‌های داستان ویس و رامین، بر اساس الگوی ساختاری ولادیمیر پراپ مورد بررسی قرار گیرد تا از این رهگذر به همسانی کنشهای شخصیت‌های داستانهای عاشقانه، در صورت‌های مختلف داستان پی برد.

**روش مطالعه:** روش تحقیق در این مقاله توصیفی - تحلیلی بوده و گردآوری اطلاعات به طریق مطالعه، فیشبرداری و نمونه‌برداری از اسناد و مدارک کتابخانه‌ای و بانک‌های اطلاعاتی است. **یافته‌ها:** منظومه ویس و رامین ده تعلیق، سه نقطه اوج و هفده کارکرد دارد. شخصیت‌ها به دو دسته اصلی و فرعی تقسیم میشوند که ویس و رامین در زمره شخصیت‌های اصلی و موبد، شیرو، دایه، و پرو، زرد و گل جزو شخصیت‌های فرعی به شمار میروند. از زاویه تقسیم‌بندی پراپ، هفت نقشمایه در این منظومه وجود دارد که در دو گروه شخصیت‌های کنشگر و کنش‌پذیر، تقسیم میشوند. ویس و رامین، در زمره کنشگران فاعلی، و موبد و گل جزو کنشگران مفعولی، قربانی و بهره‌ور به شمار میروند.

**نتیجه‌گیری:** بر اساس الگوی ساختارگرایی ولادیمیر پراپ، میتوان به این نتیجه رسید که در داستانهای غنایی هم با وجود صورت‌های مختلف و تعدد شخصیت‌ها، خویشکاری، کارکرد و کنشها محدود و مشخص هستند.

تاریخ دریافت: ۱۵ دی ۱۴۰۱

تاریخ داوری: ۱۸ بهمن ۱۴۰۱

تاریخ اصلاح: ۶ اسفند ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش: ۲۱ فروردین ۱۴۰۲

#### کلمات کلیدی:

ویس و رامین، ولادیمیر پراپ، ساختارگرایی، ریخت‌شناسی

\* نویسنده مسئول:

zohreh\_sarmad1@iausr.ac.ir

۵۵۲۲۹۲۰۰ (+۹۸ ۲۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Morphological analysis of Weiss and Ramin based on the morphological patterns of Vladimir Propp

Z. Sarmad

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Yadegar Imam Khomeini (RAH) Shahre Ray Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 5 January 2023

Reviewed: 7 February 2023

Revised: 25 February 2023

Accepted: 10 April 2023

KEYWORDS

Weiss and Ramin, Vladimir Propp, structuralism, morphology

\*Corresponding Author

✉ [zohreh\\_sarmad1@iausr.ac.ir](mailto:zohreh_sarmad1@iausr.ac.ir)

☎ (+98 21) 55229200

ABSTRACT




**BACKGROUND AND OBJECTIVES:** Formalism is one of the schools of literary criticism that pays attention to the form of the literary work and played a major role in the creation of the theory of structuralism. The best field for formalist theories and structuralism is folk, folkloric and indigenous stories. According to the formalist point of view, all of these stories, while having variable characters, have specific and specific functions and actions. Weiss and Ramin's poem is also a romantic genre with variable characters and specific actions. In this article, an attempt is made to examine the motifs of Weiss and Ramin's story, based on Vladimir Propp's structural model, in order to understand the similarity of the actions of the characters of romantic stories in different forms of the story.

**METHODOLOGY:** The research method in this article is descriptive-analytical and gathering information through studying, scanning and sampling library documents and databases.

**FINDINGS:** Weiss and Ramin's system has ten suspensions, three climaxes and seventeen functions. The characters are divided into main and secondary categories, where Weiss and Ramin are among the main characters and Mobed, Shiro, Daye, Viro, Zard and Gol are among the secondary characters. From the perspective of prop division, there are seven roles in this system, which are divided into two groups of active and passive characters. Weiss and Ramin are among active actors, and Mobed and Gol are among passive, victim and productive actors.

**CONCLUSION:** Based on Vladimir Propp's model of structuralism, it can be concluded that in lyrical stories, even with the existence of different forms and multiplicity of characters, self-work, function and actions are limited and specific.

DOI: [10.22034/bahareadab.2024.10.7150](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2024.10.7150)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 13	 2	 3

## مقدمه

فرمالیسم مکتبی در حوزه نقد و نظریه ادبی است که به صورت، فرم، شکل و گفتمان صوری اثر ادبی توجه میکند. بنا بر این مکتب، زیبایی و ارزش هر اثر، در صورت و فرم آن است. شکلگیری فرمالیست بطور رسمی از روسیه آغاز شد؛ هرچند که باید در نظر داشت توجه به شکل و فرم در هنر و ادبیات، پیشینه‌ای بسیار طولانی دارد و نگاه اسلاف ما به ادبیات، نگاهی صورت‌گرایانه بوده است؛ برای مثال جرجانی و جاحظ نگاهی فرمالیستی داشته‌اند و در آرای عبدالقاهر جرجانی، با نوعی صورت‌گرایی پویا سروکار داریم که نقطه اشتراک اوست با صورت‌گرایان روس (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۶: ۲۹۸). درحقیقت جرجانی پیشاهنگ تمام صورت‌گرایان پویاست (همان: ۳۰۰).

فرمالیسم اساس و ریشه نظریه‌های دیگری نظیر ساختارگرایی، پساساختارگرایی و ساختارشکنی است و بهترین عرصه جهت تحقیقات ساختارگرایانه، حوزه ادبیات و فولکلوریک و قصه‌های عامیانه است. ولادیمیر پراپ یکی از مشهورترین فرمالیستهای روسی است که قصه‌های عامیانه را به لحاظ ساختار مورد بررسی قرار داده است. وی با بازنگری و واکاوی ریخت‌شناسانه صد قصه پریان روسی، به این نتیجه رسید که این قصه‌ها، علاوه بر تکرار و تنوع ظاهری قهرمانان، از ساختار و الگوی مشترکی برخوردار هستند و از کثرت صوری شخصیت‌های مختلف میتوان به یک وحدت الگویی رسید. ولادیمیر پراپ در کتاب «شکلشناسی قصه قومی» کلیه قصه‌های قومی را به هفت «حوزه عمل» و سی‌ویک جزء یا «کارکرد» ثابت تقسیم کرده بود (ایگلتون، ۱۳۶۸: ۱۴۴).

پژوهشگران تا پیش از پراپ، بیشتر به دنبال واکاوی موضوع و تم قصه‌ها بودند، اما رویکرد پراپ مبتنی بر ریخت و سازمان صوری قصه‌ها بود و به این طریق همه این آثار، با یک سازه، اسکلت و کلیت مشترک، به قرابتی کلی میرسند. در روایات کهن منظوم و منثور فارسی نیز اصول و قواعد یکسانی وجود دارد. اغلب روایات پارسی و غیرپارسی بر فرم و صورتی مشابه نهاده شده با خویشکاریهای مشترکی که با نام اسامی مختلف، جلوه‌گر میشود و به صورت داستان رنگ میبخشد. در منظومه ویس و رامین نیز با توجه به الگوهای ریخت‌شناسی، اصول، قواعد و بنمایه‌های مشترکی وجود دارد که به تحلیل آن بر اساس نظریه ساختارگرایی ولادیمیر پراپ خواهیم پرداخت. در این راستا سؤالات اصلی پژوهش بدین شرح است:

۱- آیا منظومه عاشقانه ویس و رامین با نظریه ساختاری ولادیمیر پراپ، قابل تبیین و تحلیل است؟ ۲- آیا در کثرت صوری شخصیت‌های عاشقانه، کنشها و نقشمایه‌های مشخصی وجود دارد؟ ۳- آیا داستانهای عاشقانه از الگوی ساختاری معینی پیروی میکنند؟

## روش مطالعه

روش تحقیق در این مقاله توصیفی - تحلیلی بوده و گردآوری اطلاعات به طریق مطالعه، فیشبرداری و نمونه‌برداری از اسناد و مدارک کتابخانه‌ای و بانکهای اطلاعاتی است. در این پژوهش پس از معرفی مکتب فرمالیستی، ساختارگرایی و بیان نظریه ساختارگرایی ولادیمیر پراپ، منظومه عاشقانه ویس و رامین، بر اساس این الگو مورد بررسی قرار گرفته و به تحلیل ساختار روایی این منظومه بر اساس الگوها و عناصر داستان، پرداخته شده است.

## سابقه پژوهش

تا کنون درباره منظومه ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی، پژوهشهایی انجام شده است که در اینجا به مواردی اشاره میشود که به حوزه موتیف، نظریه‌های روایت‌شناسی و تحلیل شخصیتها مرتبط است:

مینورسکی (۱۳۳۵) در مقاله‌ای با عنوان «ویس و رامین»، به بررسی و تحلیل داستان ویس و رامین پرداخته است. اسلامی ندوشن (۱۳۴۹) در مقاله «آیا ویس و رامین یک منظومه ضد اخلاق است» به توجیه اخلاقیات و رفتارهای شخصیت داستان، با توجه به شرایط اجتماعی حاکم در آن زمان پرداخته است. در مقاله «بیژن و منیژه و ویس و رامین (مقدمه‌ای بر ادبیات پارتی و ساسانی)»، از جلال خالقی مطلق (۱۳۶۹) شباهت‌های دو داستان و صفات مشترک شخصیت‌های منیژه و ویس و دایگان‌شان مورد بررسی قرار می‌گیرد. مقاله «نظری به سیر عشق در داستان ویس و رامین» از محمدجعفر محبوب (۱۳۷۱)، در بیان شرح عشق و فراز و نشیب وصال دو دل‌داده است. مقاله «نقش و کارکرد بنمایه‌های توصیفی در منظومه ویس و رامین» از زهرا دری (۱۳۹۳)، ضمن اشاره به بنمایه‌های پویا و ایستا، کارکردهای توصیفی در منظومه روایی ویس و رامین را مورد بررسی قرار داده و به نقش و اهمیت آن در ساختار متن روایی تأکید کرده است. در مقاله «تحلیل داستان ویس و رامین بر اساس نظریه‌های روایت‌شناسی» از فاطمه رفعت‌خواه و علی تسنیمی (۱۳۹۵)، منظومه ویس و رامین در دو سطح داستان و گفتمان، با تکیه بر نظریات تولان، مارتین و گرماس بررسی شده و شخصیت‌های ویس، رامین و دایه، بر اساس الگوی عملگرای گرماس مورد تحلیل قرار گرفته‌اند.

نویسندگان محترم در این پژوهش‌ها به بررسی مؤلفه‌های عشق، همسانی شخصیت‌های ویس و رامین با شخصیت‌های سایر منظومه‌ها، کارکردهای بنمایه‌های ایستا و تحلیل شخصیت‌ها بر اساس الگوی گرماس، پرداخته‌اند؛ اما در مورد بررسی فرمالیستی ویس و رامین بر اساس الگوی ساختارگرایی پراپ تا کنون تحقیقی صورت نگرفته است.

### بحث و بررسی

**فرمالیسم:** فرمالیسم اساس کاربرد زبان‌شناسی در مطالعه ادبیات بود و به دلیل آنکه زبان‌شناسی مورد بحث آن نوعی زبان‌شناسی صوری بود که بیشتر با ساختارهای زبانی سروکار داشت تا گفتار متداول، فرمالیست‌ها ترجیح میدادند بجای تحلیل محتوا (حوزه‌ای که همواره خطر ورود به قلمرو روان‌شناسی و جامعه‌شناسی را در بر دارد)، به بررسی فرم (صورت) بپردازند. آنها فرم را بیان محتوا به شمار نمی‌آوردند و به عکس این رابطه معتقد بودند. محتوا صرفاً انگیزه‌ای برای فرم یا موقعیت و بستر مناسبی برای اعمال فرمی خاص بود (اینگلتون، ۱۳۶۸: ۵). فرمالیست‌ها به حالت، فرم، ژانر، گفتمان، گرامر، نحو و... یک اثر توجه داشته و به حوزه‌های جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و زیرساختی متن کاری ندارند. هدف فرمالیست‌ها این بود که بر عناصر آشنایی‌زدایی درون ادبیات متمرکز شوند؛ خواه آن عناصری که متون ادبی را از متون غیرادبی متمایز میکردند، خواه آن عناصری که در خدمت فرایند آشنایی‌زدایی درون خود آن متون بودند (برنتس، ۱۳۸۷: ۵۷).

گرایش فرمالیستی بصورت رسمی و در حوزه نقد ادبی، در روسیه شکل گرفت. باید دانست که این گرایش در ابتدا از سوی مخالفانش به این نام خوانده شد. فرمالیسم عنوان مبهم و ناسزاگونه‌ای بود که مخالفان آن در آغاز برای بدنام کردن این نظریه و نفی هر گونه نقش شعری زبان مطرح میکردند (علوی مقدم، ۱۳۸۱: ۲۸). فرمالیست‌های روس در دهه ۱۹۳۰ به دلایل سیاسی سرکوب شدند؛ اما بسیاری از اصول آنها دیگر بار در کارهای ساختارگرایان پدیدار شد؛ زیرا از بسیاری جهات این دو مکتب فقط از لحاظ زمانی از هم فاصله دارند. هم منتقدان ادبی ساختارگرا و هم منتقدان ادبی فرمالیست معمولاً مباحث مربوط به آنچه را «نقد عرضی» نام گرفته است، مثل زندگی‌نامه مؤلف یا تاریخ اجتماعی زمانه او را نادیده می‌گیرند؛ اما هر دو در عوض با تحلیل عناصری چون الگوهای آوایی و ساختار پیرنگها و تعیین جایگاه آنها در درون نظام اثر سر و کار دارند. البته ساختارگرایی از جهات دیگر با مکتب

سلف خود بسیار تفاوت دارد. بطور مشخص فرمالیسم با آن دقت و جدیت بر زبان شعری متمرکز است، حال آنکه ساختارگرایی جنبشی است میان‌رشته‌ای که اصولش را در عرصه‌های گوناگون به کار می‌بندد؛ از مناسک مردم‌شناسی گرفته تا متون ادبی تا تزئینات خانه (دوبرو، ۱۳۹۵: ۱۲۴).

صورت‌نگرایان اولین کسانی بودند که ادبیات را شکلی از هنر کلامی دانستند و توجهشان را به تحلیل زبان ادبی بمثابه و ویژگی تمایزدهنده ادبیات معطوف کردند. آنها مفاهیم ساختار ادبی و پویای ادبی را پروراندند؛ مفاهیمی که به پایه‌ها و شالوده بوطیقای ساختارگرا تبدیل شد (مکاریک، ۱۳۹۰: ۲۰۷).

ساختارگرایی: عنوان ساختارگرایی در مورد هر تحلیلی که بر ساختار و مناسبات درونی اجزای آن تأکید میکند، توجیه می‌شود (سیف‌زاده، ۱۳۷۹: ۲۵۲ و ۲۵۰). ساختارگرایی در آغاز نظریه‌ای تبیینی در روانشناسی بود که مشهور به روانشناسی ساختی یا گشتالت‌گرایی شد؛ ولی آنچه در آغاز روشی در تحلیل امور روانی بود، بعدها گسترش یافت و روش کلیتری در تأویل امور انسانی شد و در مواردی چند بصورت آیین کلی و دیدی فلسفی در برخورد با علوم انسانی درآمد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۷۵۹-۷۰۸). از نظر ساختارگرایان، متن ادبی یک ساختار است و تمام عناصر موجود در آن با یکدیگر رابطه‌ای متقابل دارند و به یکدیگر وابسته‌اند. در یک اثر ادبی چیزی وجود ندارد که مجزا و بتنهایی قابل مشاهده و مطالعه باشد. هر عنصر منفرد، کارکردی خاص دارد و بواسطه آن کارکرد به کلیت اثر پیوند می‌خورد (برتس، ۱۳۸۷: ۵۷). بنا بر نظر ساختارگرایان، شخصیت‌های مختلف در یک محور جانشینی، قابلیت جایگزینی و جابجایی دارند.

ولادیمیر پراپ: ولادیمیر پراپ فرمالیستی روسی است که قصه‌های عامیانه پریان روسی را در حوزه ساختاری مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. در تحلیل پراپ همانگونه که اجزای جمله آجرهای ساختمان جمله است، عملکردها و شخصیت‌های نمایشی، آجرهای ساختمان داستان پریان هستند (هارلند، ۱۳۸۵: ۲۴۷). پراپ می‌گوید بی‌آنکه فایده مطالعه موضوعات و نیز مقایسه‌ای که صرفاً شباهت‌های آنها را به حساب می‌آورد انکار کنیم، می‌توانیم روش دیگری و واحد سنجش دیگری را پیشنهاد کنیم. می‌توانیم قصه‌ها را از لحاظ ترکیب‌بندی و ساختارشان مقایسه کنیم و به این ترتیب شباهتشان در پرتو تازه‌ای خود را نشان خواهد داد (تودوروف، ۱۳۸۵: ۲۶۴). «ولادیمیر پراپ» ضمن تلاش برای شناسایی عناصر پایدار و متغیر در مجموعه‌ای از صد حکایت پریان روسی، به این اصل میرسد که هرچند پرسوناژهای یک حکایت متغیرند، کارکردهای آنها در حکایتها پایدار و محدود است. وی در کتاب «شکل‌شناسی قصه قومی» کلیه قصه‌های قومی را به هفت حوزه «عمل» و سی‌ویک جزء یا «کارکرد» ثابت تقسیم کرده بود. هر قصه قومی صرفاً این «حوزه‌های عمل» (قهرمان، یاری‌دهنده، تبهکار، کسی که انتظار ظهورش می‌رود و نظایر آن) را به طریقی خاص ترکیب می‌کند. از آنجا که این مدل بسیار اقتصادی بود، امکان کاهش حتی بیشتر آن نیز وجود داشت (ایگلتون، ۱۳۶۸: ۱۴۴).

ویس و رامین: منظومه ویس و رامین در اصل داستانی پارتی و مربوط به موقعیت شاه مرو، ارتباط او با سردمداران شهرهای مجاور، رسوم ازدواج آن دوره و میزان تعهد زنان در خانواده است. فخرالدین اسعد گرگانی نزدیک به نه قرن پیش، داستان عاشقانه ویس و رامین را از پهلوی به نظم فارسی درآورده است. منظومه بر اساس آفرینش پهلوی کهنی است که به ابهام یادآور داستان تریستان و ایزوت و مارک شاه و برانژین است. بسیاری از وقایعی که در داستان می‌گذرد، متضمن اوضاع و احوالی مخالف عقاید اسلامی درباره ازدواج و زن و عشق است (محبوب، ۱۳۳۷: ۳۹۳). ویس و رامین همچون آثار داستانی دیگر یک طرح داستانی دارد که مؤلف بعنوان شاعر و داستان‌سرا در فضای آن هنرآفرینی کرده است. در داستان ویس و رامین داستانهای فرعی متعددی وجود دارد

که هر یک از آنها می‌تواند داستانی مستقل باشد. معروفترین داستانهای فرعی آن عبارت است از جنگ موبد با قیصر روم، جنگ رامین با زرد، عشق رامین با گل و... (رفعت‌خواه و تسنیمی، ۱۳۹۵: ۱۷۵۲).  
 زمان روایت داستان در مقایسه با عنصر زمان، عمل داستانی معمولاً طولانیتری است و این به خاطر وجود توصیفات زیبا و یا تکرار شکلهای گوناگون اندیشه و عمل شخصیت است که بیان اصل حوادث را به تعویق میندازد (همان: ۱۷۷۲).  
 بر اساس الگوی ولادیمیر پراپ، هر یک از شخصیت‌های داستان ویس و رامین، خویشکامی‌هایی را بر عهده دارند که در زیر به این نقشمایه‌ها اشاره میشود:

#### نقشمایه‌های داستان ویس و رامین

رامین	قهرمان، دلاور، جستجوگر
ویس	قهرمان، شخص مورد جستجو
زرد، دایه	اعزام‌کننده
موبد منیکان، ویرو، گل	قهرمان دروغین
شهرو	تبهکار
زرد، دایه خوزانی	یارینگر

#### ۱. عناصر داستانی ویس و رامین براساس الگوی ریخت‌شناسی پراپ

<p>۱- بنا بر اخبار و روایات کهن، در سرزمین مرو، شاه موبدی به نام منیکان حکومت میکرد. موبد منیکان در موسم بهار، جشنی با حضور گزیده سران، سپهداران، پادشاهان و پری‌رویان برگزار کرد.</p> <p>a (وضعیت آغازین)</p> <p>B (وضعیت متعادل اولیه)</p> <p><math>\beta^1</math> (غیبت بزرگتران یا بیرون رفتن آنها از خانه)</p>
<p>۲- زیباترین پریچهره این بزم، شهرو، همسر قارن (پادشاه همدان) بود؛ موبد منیکان با دیدار ماهروی شهرو، دل به او داد و خواستار ازدواج با او شد.</p> <p>(حوزه عملیاتی موبد «قهرمان دروغین»: یکی از افراد فاقد چیزی است یا آرزوی داشتن چیزی را دارد) (تعریف: نیاز، نشانه: a) (نیاز به عروس: <math>a^1</math>).</p> <p>(مصیبت یا نیاز، علنی میشود «آغاز مصیبت»).</p>
<p>۳- شهرو شوی دیده بود و چندین پسر داشت، پس به ناز و به همین دستاویز، درخواست موبد را رد کرد.</p> <p>(حوزه عملیاتی تبهکار «شهرو»: نهی و تحذیر از کاری) (تعریف: نهی و تحذیر از کاری، نشانه: <math>\beta^1</math>)</p> <p>(حوزه عملیاتی تبهکار «شهرو»: واکنش) (تعریف: واکنش، نشانه: E)</p>
<p>۴- موبد منیکان، در پی تحذیر شهرو، درخواست دیگری کرد.</p> <p>ز تخم خویش یک دختر به من ده به کام دل صنوبر با سمن به</p> <p>(ویس و رامین، بند ۱۰: ۳۹)</p> <p>شهرو، درخواست شه موبد را پذیرفت و بر نابوده، پیمان بستند و سوگند خوردند:</p>

<p>چو شهرو خورد پیش شاه سوگند سختن گفتند ازین پیمان فراوان بدین پیمان دل شه گشت خرسند به هم دادند هر دو دست پیمان (همان: ۴۷-۴۸)</p> <p>(حوزه عملیاتی تبهکار «شهرو» واکنش) (تعریف: واکنش، نشانه: E)</p> <p>حوزه عملیاتی قهرمان دروغین و تبهکار «موبد و شیرو»: آغاز مصیبت (تعریف: مصیبت مقدماتی قراردادی خدعه‌آمیز، نشانه: <math>\lambda</math>)</p> <p>حوزه عملیاتی قهرمان دروغین «موبد»: بدبختی یا مصیبت یا کمبود آغاز قصه التیام میپذیرد (تعریف: کارسازی مصیبت یا کمبود، نشانه: K)</p>
<p>۵- از این پیمان سالها گذشت. شهربانو در پیری بارور شد، دختری زیباروی به دنیا آورد، او را «ویس» نام نهادند و به دایه‌ای خوزانی سپردند و دایه، «ویس» را با خود به «خوزان» برد. (بازگشت به وضعیت متعادل)</p> <p>(حوزه عملیاتی قهرمان دروغین «موبد»: التیام کمبود) (تعریف: کارسازی مصیبت یا کمبود، نشانه: K)</p> <p>(حوزه عملیاتی قهرمان «ویس»: غیبت، عزیمت) (تعریف: غیبت یا رفتن جوانتران، نشانه: <math>\beta^1</math>) (تعریف: عزیمت، نشانه: <math>\uparrow</math>)</p>
<p>۶- دایه خوزانی علاوه بر ویس، دایگی رامین، برادر شه موبد، را بر عهده داشت. رامین را پس از دو سال، به خراسان بازگرداندند. (حوزه عملیاتی قهرمان «رامین»: بازگشت قهرمان) (تعریف: بازگشت، نشانه: <math>\downarrow</math>)</p>
<p>۷- ویس اما همچنان به نزد دایه بزرگ میشد و هر روز زیباتر و شهره‌تر؛ دایه از پس خواسته‌های ویس بر نمی‌آمد، پس نکوهش‌نامه‌ای به شهرو نوشت و او را به برگرداندن فرزندش، فراخواند و ویس پس از ده سال به زادگاهش برگشت. (حوزه عملیاتی قهرمان «ویس»: بازگشت قهرمان) (تعریف: بازگشت، نشانه: <math>\downarrow</math>)</p>
<p>۸- «شهرو» به «ویس» یادآور میشود که کسی جز «ویرو» (برادرش) شایسته همسری با او نیست: چو در گیتی ترا همسر ندانم در ایران نیست جفتی با تو همسر مگر ویرو که هستت خود برادر (ویس و رامین، بند ۱۴: ۵-۶)</p> <p>(حوزه عملیاتی تبهکار «شیرو»: نهی، امر) (تعریف: نهی و تحذیر از کاری، نشانه: <math>\alpha^1</math>) (تعریف: امر یا دستور، نشانه: <math>\alpha^2</math>)</p>
<p>۹- ویس، خموشانه و شرمگانه با شیرو همداستان شد. (حوزه عملیاتی قهرمان «ویس»: واکنش) (تعریف: واکنش، نشانه: E)</p>
<p>۱۰- به ساعت شش دی روز از ماه آذر، شهرو، دستان ویس و ویرو را در هم گذاشت و یادآور شد که به مهر و گواهی‌گری موبد، نیازی نیست. (حوزه عملیاتی قهرمان «ویس»: عروسی) (تعریف: عروسی، نشانه: W)</p>

<p>(حوزه عملیاتی تبهکار «شهرو»: نهی، آغاز مصیبت) (تعریف: نهی و تحذیر، نشانه: <math>\alpha^1</math>) (تعریف: مصیبت مقدماتی حاصل از قراردادی خدشه‌آمیز، نشانه: <math>\lambda</math>)</p>
<p>۱۱- ساز میهمانی فراهم میشد که ناگاه موبد منیکان، زرد، برادر ناتنی خود را با نامه‌ای به سوی شهرو گسیل کرد. (حوزه عملیاتی قهرمان دروغین «موبد»: نیاز، گسیل کردن، خبرگیری) (تعریف: نیاز، نشانه: <math>a</math>) (تعریف: گسیل کردن، نشانه: <math>B^2</math>) (تعریف: خبرگیری از احوال قهرمان، نشانه: <math>E^1</math>) (حوزه عملیاتی یاری‌رسان «زرد»: غیبت) (تعریف: غیبت یکی از اعضای خانواده، نشانه: <math>\beta^1</math>)</p>
<p>۱۲- موبد در نامه خواسته بود که «ویس» به همراه «زرد» به مرو بیاید. (حوزه عملیاتی قهرمان دروغین «موبد»: شرارت، علنی شدن نیاز، دستور) (تعریف: درخواست تحویل دادن، نشانه: <math>A^8</math>) (تعریف: میانجیگری، نشانه: <math>B</math>) (تعریف: دستور یا فرمان، نشانه: <math>\alpha^2</math>) (حوزه عملیاتی یاری‌رسان «زرد»: پیونددهنده) (تعریف: ربط‌دهنده یا پیونددهنده، نشانه: <math>8</math>)</p>
<p>۱۳- «شهرو» با خواندن نامه، چون زنه‌ارواران بر هم پیچید و ویس بر او بانگ میزند: ز هنجار خرد دور اوفتادی که رفتی دخت نازاده بدادی (ویس و رامین، بند ۸۸/۱۵) (حوزه عملیاتی تبهکار «شیرو»: واکنش) (تعریف: واکنش، نشانه: <math>E</math>) (حوزه عملیاتی قهرمان «ویس»: واکنش) (تعریف: واکنش، نشانه: <math>E</math>)</p>
<p>۱۴- «ویس» به «زرد» یادآور میشود که جفت برادرش و بیروست و او را از ترساندن با نامه برحذر میدارد. (حوزه عملیاتی قهرمان «ویس»: واکنش، تحذیر) (تعریف: نهی و تحذیر از کاری، نشانه: <math>\alpha^1</math>) (تعریف: واکنش، نشانه: <math>E</math>) (تعریف: قهرمان در برابر اغواگریهای شریر، واکنش نشان میدهد، نشانه: <math>\theta^1</math>)</p>
<p>۱۵- زرد به نزد «موبد منیکان» رفته، از ساز عروسی ویس و ویرو خبر میدهد و موبد خشمگینانه به قصد جنگ، سپاهی گرد می‌آورد. (حوزه عملیاتی قهرمان دروغین «موبد»: خبرگیری، مقابله آغازین، اعلان جنگ، عزم نابودی) (تعریف: شریر از احوال قهرمان خبر به دست می‌آورد، نشانه: <math>\delta^1</math>) (تعریف: جستجوگر تصمیم میگیرد به مقابله برخیزد، نشانه: <math>C</math>) (تعریف: اعلان جنگ، نشانه: <math>A^9</math>) (تعریف: عزم نابودی، نشانه: <math>D^8</math>)</p>
<p>۱۶- ویرو با آگاهی از اعلان جنگ موبد، سپاهی گرد می‌آورد و در این کارزار سخت قارن، باب ویس، به زاری کشته میشود. (حوزه عملیاتی قهرمان دروغین «ویرو»: مقابله، یاریگری از سپاه) (تعریف: راضی شدن به مقابله، نشانه: <math>C</math>) (یاری و کمک طلبیدن، نشانه: <math>B^1</math>) (حوزه عملیاتی قهرمان «ویس»: مرگ پدر یا مادر) (تعریف: مرگ پدر یا مادر، نشانه: <math>\beta^2</math>) (حوزه عملیاتی قهرمان دروغین «موبد»: شرارت) (تعریف: شرارت، نشانه: <math>A</math>) (تعریف: شریر صدمات جسمانی وارد میکند، نشانه: <math>A^6</math>) (تعریف: کشتن، نشانه: <math>A^4</math>)</p>
<p>۱۷- در بحبوحه جنگ، سپاه‌یانی از دیلم به دشت طارم می‌آیند، «ویرو» با سپاهی به مقابله با دیلمیان برمیخیزد، موبد با آگاهی از غیبت «ویرو»، در پی «ویس» به گورابه، لشکر کشید. (حوزه عملیاتی قهرمان دروغین «ویرو»: غیبت) (تعریف: غیبت یا رفتن جوانتران، نشانه: <math>\beta^3</math>)</p>



<p>(حوزه عملیاتی قهرمان دروغین «موبد»: خبرگیری) (تعریف: دریافت خبر، نشانه: <math>\mathcal{S}^3</math>)</p>
<p>۱۸- «ویس» با آگاهی از حضور «موبد» هویه‌کنان، صورت به فندق تراشید و به دایه پناه آورد. (حوزه عملیاتی قهرمان «ویس»: واکنش، یاری طلبیدن) (تعریف: واکنش، نشانه: E) (تعریف: یاری و کمک طلبیدن، نشانه: <math>B^1</math>)</p>
<p>۱۹- شاه موبد، رسولی را به نزد ویس میفرستد و وعده‌های بسیار میدهد؛ ویس جامه به تن میبرد و از مرگ قارن، علاقه به و پرو و فرتوتی و کم‌خردی موبد مینالد و از پیوند با او حذر میکند. (حوزه عملیاتی قهرمان «ویس»: واکنش، تحذیر) (تعریف: واکنش، نشانه: E) (تعریف: نهی و تحذیر از کاری، نشانه: <math>\mathcal{R}^1</math>)</p>
<p>۲۰- رسول نزد موبد باز می‌گردد و از احوال «ویس» خبر میدهد. شاه موبد با دو برادرش، رامین و زرد، به مشورت مینشیند و یاری می‌طلبد. رامین از کودکی، دل به ویس سپرده بود و برادر را از پیوند با ویس بر حذر میدارد؛ «زرد» اما پادشاه را به فریفتن «شهره» برمی‌انگیزد. موبد نامه‌ای به «شهره» مینویسد و او را با وعده مال بسیار می‌فریبد. (حوزه عملیاتی قهرمان دروغین «موبد»: خبرگیری، یاری طلبیدن، شرارت، فریفتن، هدیه دادن، مصیبت مقدماتی).</p>
<p>(تعریف: شریب از احوال قهرمان خبر به دست می‌آورد، نشانه: <math>\mathcal{S}^1</math>) (تعریف: یاری و کمک طلبیدن، نشانه: <math>B^1</math>) (تعریف: شرارت، نشانه: A) (تعریف: فریفتن در مبادله، نشانه: <math>E^1</math>) (تعریف: فریفتن مشاجره‌کنندگان، نشانه: <math>E^1</math>) (تعریف: هدیه سرشت مادی دارد، نشانه: <math>F^1</math>) (تعریف: مصیبت مقدماتی حاصل از قراردادی خدعه‌آمیز، نشانه: <math>\lambda</math>)</p>
<p>(حوزه عملیاتی قهرمان «رامین»: واکنش، تحذیر) (تعریف: واکنش، نشانه: E) (تعریف: نهی و تحذیر از کاری، نشانه: <math>\mathcal{R}^1</math>)</p>
<p>(حوزه عملیاتی یاری‌رسان «زرد»: اغواگری، مأموریت و کار دشوار) (تعریف: اغوای فریبکارانه شریب، نشانه: <math>\eta</math>) (تعریف: انجام دادن کار دشوار، نشانه: N)</p>
<p>۲۱- شهره، فریب می‌خورد و دروازه کاخ ویس را بر روی موبد می‌گشاید و موبد، ویس را کشان‌کشان و نالان به مرو گسیل میکند. (حوزه عملیاتی تبهکار «شهره»: شرارت) (تعریف: شرارت، نشانه: A) (حوزه عملیاتی تبهکار «موبد»: شرارت، فرستادن) (تعریف: شرارت، نشانه: A) (تعریف: گسیل کردن یا فرستادن، نشانه: <math>B^2</math>) (تعریف: گسیل کردن قهرمان از خانه، نشانه: <math>\uparrow</math>)</p>
<p>۲۲- رامین، ویس را به مرو میبرد، در راه بناگاه بادی میوزد، پرده عماری ویس کنار می‌رود، چشم رامین به جمال ویس میفتد و آتش عشق کهن در دل رامین شعله‌ور میشود. (حوزه عملیاتی قهرمان «رامین»: گسیل کردن، فرستادن) (تعریف: قهرمان به مأموریت اعزام میشود، نشانه: <math>B^2</math>)</p>
<p>۲۳- به امر موبد منیکان، مرو را آذین بستند و بزم آراستند، ویس اما به ماتم نشسته بود و با دیدار موبد، جامه بر تن میدرید و خون میگریست. نگارین روی در دیوار کردی به رخ بر دیده را خونبار کردی (ویس و رامین، بند ۳۳:۳۳)</p>

<p>(حوزه عملیاتی قهرمان «ویس»: واکنش، ازدواج، مقابله) (تعریف: واکنش، نشانه: E) (تعریف: ازدواج، نشانه: <math>W^{**}</math>) (تعریف: مقابله قهرمان، نشانه: C)</p>
<p>۲۴- دایه خوزانی با آگاهی از کار ویس، به نزد او رفت تا شاید آرامش کند. ویس اما آرام و قرار نداشت پس از دایه خواست تا نیرنگی بیندیشد که موبد تا یک سال نتواند بر تن او دست یابد. (حوزه عملیاتی یاریگر «دایه»: میانجیگری) (تعریف: میانجیگری، نشانه: B) (حوزه عملیاتی قهرمان «ویس»: یاری طلبیدن) (تعریف: یاری و کمک طلبیدن، نشانه: <math>B^1</math>)</p>
<p>۲۵- دایه که به کام و آرام دل ویس میندیشید، برخلاف میل باطنیش، بر روی و مس نقشهایی از طلسم را به تصویر کشید و با سحر و افسون، بست و بر لب رود نهان کرد، تا وقتی که طلسم در آب بود، مرد بر زن بسته میماند، اما از قضای روزگار، رود طغیان کرد و طلسم را با خود برد و تا پایان زندگی، شاه موبد بر ویس بسته ماند. (حوزه عملیاتی یاریگر و شرور (در مقابل موبد): کارسازی مصیبت، انجام کار دشوار، شرارت، فریبکاری، جادو) (تعریف: کارسازی مصیبت یا کمبود، نشانه: K) (تعریف: حل مسئله دشوار، نشانه: N) (تعریف: شرارت و طلسم، نشانه: <math>A^1</math>) (تعریف: اغوای فریبکارانه شریر، نشانه: <math>\eta^1</math>) (تعریف: به کار بردن وسیله جادویی، نشانه: <math>\eta^2</math>) (تعریف: استفاده از شیء جادو، نشانه: F) (تعریف: عامل جادو تهیه میشود، نشانه: <math>F^3</math>) (تعریف: عامل جادویی بنا به سفارش ساخته میشود، نشانه: <math>F^4</math>) (تعریف: عامل جادویی ناپدید میشود، نشانه: <math>F^5</math>)</p>
<p>۲۶- رامین اما همچنان عاشق و بیقرار ویس بود و با همگان از عشقش میگفت، تا اینکه روزی دایه را میبیند، از دلدادگی و بیقراریش میگوید و از دایه یاری میطلبد تا پیغامش را به ویس برساند، دایه اگرچه در ابتدا رامین را از این عشق بر حذر داشت، اما با اصرار رامین، دلش در موافقت با او نرم شد. (حوزه عملیاتی قهرمان «رامین»: نیاز، کمک خواستن) (تعریف: کمبود یا نیاز، نشانه: a) (تعریف: یاری و کمک طلبیدن، نشانه: <math>B^1</math>) (حوزه عملیاتی یاریگر «دایه»: تحذیر، مأموریت) (تعریف: نهی و تحذیر از کاری، نشانه: <math>\eta^1</math>) (تعریف: مأموریت و کار دشوار، نشانه: M)</p>
<p>۲۷- دایه چون جادوگری بدگمان و بدنهاد به نزد ویس رفت و با داستان و نیرنگ، از عشق رامین به ویس گفت، ویس اگرچه در ابتدا مخالفت کرد و زبان به نفرین دایه گشود اما با اصرار زیاد رامین و سخنان فریبنده دایه، ملاقات با رامین را میپذیرد. (حوزه عملیاتی یاریگر «دایه»، فریفتن، حل امر دشوار، ربطدهنده) (تعریف: فریفتن، نشانه: <math>\eta^3</math>) (تعریف: انجام کار دشوار، نشانه: N) (تعریف: ربطدهنده یا پیونددهنده، نشانه: 8) (حوزه عملیاتی قهرمان «ویس»: تسلیم) (تعریف: قهرمان تسلیم فریبهای شریر میشود، نشانه: <math>\theta^3</math>)</p>
<p>۲۸- دیدار و رابطه ویس و رامین، با یاریگری دایه تکرار میشود، پس از یک ماه، موبد رامین را برای لشکرکشی به موقان میفرستد، دایه ویس را از رفتن رامین آگاه کرده و او را به آخرین دیدار برمیگزیند، از قضا سخنان دایه وارونه گفتار میشود و زبان به دشنامش میگشاید. شه موبد با ملاحظه اینکه میباید در تکفیر افراط کند، پیکی به نزد ویرو میفرستد و او را فرامیخواند تا پاداش دایه و ویس را بدهد. ویس بناگاه برمیخیزد و بیپروا از عشق رامین میگوید، ویرو ویس را از عشق رامین بر حذر میدارد اما پند او اثری ندارد.</p>

<p>(حوزه عملیاتی قهرمان «موبد»: واکنش، ترحم، یاری طلبیدن، گسیل کردن) (تعریف: واکنش، نشانه: E)</p> <p>(تعریف: ترحم و بخشایش، نشانه: <math>E^3</math>) (تعریف: یاری و کمک طلبیدن، نشانه: <math>B^1</math>) (تعریف: گسیل کردن یا فرستادن، نشانه: <math>B^2</math>)</p> <p>(حوزه عملیاتی قهرمان «ویس»: واکنش، مقابله) (تعریف: واکنش، نشانه: E) (تعریف: مقابله آغازین، نشانه: C)</p> <p>(حوزه عملیاتی قهرمان دروغین، یاریگر (برای موبد): تحذیر) (تعریف: نهی و تحذیر از کاری، نشانه: <math>r^1</math>)</p>
<p>۲۹- شاه موبد، ویس را میبخشد و در پی دلجویی از او برمی‌آید، اما ویس جسورانه از عشق رامین میگفت، شاه موبد اگرچه خشمگین بود اما خردمندانه و به خاطر عشقی که به ویس داشت، تنها او را دشنام میدهد و به نزد خانواده‌اش برمیگرداند.</p> <p>(حوزه عملیاتی قهرمان دروغین «موبد»: واکنش، ترحم، انتقال، طرد کردن، رهایی) (تعریف: واکنش، نشانه: E)</p> <p>(تعریف: ترحم و بخشایش، نشانه: <math>E^5</math>) (تعریف: انتقال دادن و فرستادن، نشانه: <math>B^2</math>) (تعریف: طرد کردن، نشانه: <math>A^9</math>) (تعریف: آزاد ساختن، نشانه: <math>B^3</math>) (تعریف: قهرمان آزاد میشود یا از گناهش درمیگذرند، نشانه: <math>B^6</math>)</p> <p>(حوزه عملیاتی قهرمان «ویس»: عزیمت، بازگشت) (تعریف: عزیمت، نشانه: <math>\uparrow</math>) (تعریف: بازگشت به خانه، نشانه: <math>\downarrow</math>)</p>
<p>۳۰- رامین مهجور هجر ویس، به بهانه شکار، مرو را ترک میکند، شه موبد با آگاهی از قصد رامین، او را پند میدهد تا ویس را رها کند، رامین سوگند میخورد، اما عهدشکنانه به نزد ویس میرود و هفت ماه در کنار او سپری میکند.</p> <p>(حوزه عملیاتی قهرمان دروغین «موبد»: واکنش، نهی) (تعریف: واکنش دوستانه، نشانه: <math>E^2</math>) (تعریف: نهی و تحذیر از کاری، نشانه: <math>r^1</math>)</p> <p>(حوزه عملیاتی قهرمان «ویس»: اغوا، بازگشت) (تعریف: اغواهای فریبکارانه، نشانه: <math>\eta^1</math>) (تعریف: بازگشت، نشانه: <math>\downarrow</math>)</p>
<p>۳۱- موبد با آگاهی از پیمان‌شکنی برادر، به نزد مادرش رفته و از خیانت ویس و رامین شکایت میکند و عزم نابودی برادرش را میکند، مادر او را از این کار بر حذر میدارد. پس موبد نامه‌ای به ویرو نوشته و به او اعلان جنگ میدهد، ویرو نامه‌ای برای موبد میفرستد و او را به آرامش و بردن ویس فرامیخواند و موبد پشیمان از کرده خود، بدنبال ویس رفته و او را باز میگرداند.</p> <p>(حوزه عملیاتی قهرمان دروغین «موبد»: عزم نابودی، اعلان جنگ) (تعریف: عزم نابودی، نشانه: <math>D^8</math>) (تعریف: اعلان جنگ، نشانه: <math>A^{19}</math>)</p> <p>(حوزه عملیاتی یاری‌رسان «مادر موبد و رامین»: نهی، واکنش، کارسازی، راهنمایی) (تعریف: نهی و تحذیر در کاری، نشانه: <math>r^1</math>) (تعریف: دفع اقدام برای نابودی، نشانه: <math>E^8</math>) (تعریف: کارسازی مصیبت، نشانه: K) (تعریف: قهرمان راهنمایی میشود، نشانه: <math>G^3</math>)</p> <p>(حوزه عملیاتی قهرمان دروغین و یاریگر (در برابر موبد) «ویرو»: واکنش) (تعریف: واکنش دوستانه، نشانه: <math>E^2</math>)</p> <p>(حوزه عملیاتی قهرمان «ویس»: انتقال، گسیل کردن، بازگشت) (تعریف: انتقال یا برده شدن، نشانه: G) (تعریف: گسیل کردن یا فرستادن، نشانه: <math>B^2</math>) (تعریف: بازگشت، نشانه: <math>\downarrow</math>)</p>

<p>۳۲- ویس میگوید که بین او و رامین کار ناشایستی نرفته است، شاه با آگاهی از نیرنگ ویس، از او میخواهد که سوگند خورده و از ورگرم بگذرد، ویس که میداند گناهکار است، رامین را به فرارشان برمینگیزد و با یاری و چاره‌گری دایه به ری میگریزند.</p> <p>(حوزه عملیاتی قهرمان دروغین «موبد»: اقدام به نابودی) (تعریف: اقدام برای نابودی قهرمان، نشانه: <math>Pr^f</math>)</p> <p>(حوزه عملیاتی قهرمان «ویس»: آزمایش شدن، یاری طلبیدن، رهایی و فرار) (تعریف: یاری و کمک طلبیدن، نشانه: <math>B^1</math>) (تعریف: نجات و رهایی قهرمان، نشانه: <math>PS</math>) (تعریف: فرار، نشانه: <math>RS^f</math>)</p>
<p>۳۳- موبد منیکان، به جستجوی ویس و رامین میرود. در این هنگامه رامین نامه‌ای به مادرش نوشته و او را از حال خود باخبر میکند. موبد به مرو باز میگردد، مادر او را اندرز میدهد و موبد منیکان سوگند میخورد که به ویس و رامین کاری نخواهد داشت، به این ترتیب ویس و رامین به مرو باز میگردند و مورد عفو موبد قرار میگیرند.</p> <p>(حوزه عملیاتی قهرمان دروغین «موبد»: تعقیب، غیبت، بازگشت، نیاز، واکنش، ترحم) (تعریف: تعقیب قهرمان، نشانه: <math>Pr</math>)</p> <p>(تعریف: غیبت بزرگتران، نشانه: <math>\beta^1</math>) (تعریف: بازگشت، نشانه: <math>\downarrow</math>) (تعریف: کمبود یا نیاز، نشانه: <math>a</math>) (تعریف: نیاز به عروس نشانه: <math>a^1</math>) (تعریف: واکنش، نشانه: <math>E</math>) (تعریف: واکنش دوستانه، نشانه: <math>E^T</math>) (تعریف: ترحم و بخشش، نشانه: <math>E^h</math>) (تعریف: از گناه قهرمان میگذرند، نشانه: <math>B^f</math>)</p> <p>(حوزه عملیاتی قهرمان «رامین»: نیاز، ارسال کردن) (تعریف: نیاز به یاریگر، نشانه: <math>A^T</math>) (تعریف: گسیل کردن و فرستادن (ارسال نامه)، نشانه: <math>B^T</math>)</p> <p>(حوزه عملیاتی یاریگر «مادر رامین و موبد»: کارسازی) (تعریف: کارسازی مصیبت یا کمبود، نشانه: <math>K</math>)</p>
<p>۳۴- در کاخ بزمی برپا بود، موبد منیکان مست بود، ویس و رامین پنهانی با یکدیگر سخن میگفتند و وعده‌های عاشقانه میدادند، موبد، میشنید و اگر چه به مردی دل آرام میداشت وجودش پر از درد بود، مستانه به خوابگاه رفت و از عشقش به ویس گفت.</p> <p>(حوزه عملیاتی قهرمان «ویس و رامین»: شرارت) (تعریف: شرارت، نشانه: <math>A</math>)</p> <p>(حوزه عملیاتی قهرمان دروغین «موبد»: فیصله مصیبت، واکنش دوستانه بخشش) (تعریف: مصیبت فیصله مییابد نشانه: <math>K^f</math>) (تعریف: دفع مصیبت با خویشکاری، نشانه: <math>KF</math>) (تعریف: واکنش دوستانه، نشانه: <math>E^T</math>) (تعریف: عفو و بخشش، نشانه: <math>E^h</math>)</p>
<p>۳۵- نیمه‌های شب بود، شه خفته و ویس بیدار، که رامین بر سر بام آمد، ویس، دایه را بجای خود، در خوابگاه خواباند و خود به نزد رامین رفت و همه شب را با او سپری کرد.</p> <p>(حوزه عملیاتی قهرمان «ویس»: یاری طلبیدن، فریبکاری، جایگزین کردن دروغین) (تعریف: یاری و کمک طلبیدن، نشانه: <math>B^1</math>) (تعریف: فریبکاری نشانه: <math>\eta^1</math>) (تعریف: جایگزین کردن دروغین، نشانه: <math>A^{1T}</math>)</p> <p>(حوزه عملیاتی یاریگر «دایه»: تغییر شکل، مأموریت، حل مسئله) (تعریف: تغییر شکل، نشانه: <math>T</math>) (تعریف: لباس و جامه جدید، نشانه: <math>T^T</math>) (تعریف: مأموریت کار دشوار: نشانه: <math>M</math>) (تعریف: حل مسئله و انجام کار دشوار، نشانه: <math>N</math>) (تعریف: کارسازی مصیبت یا کمبود، نشانه: <math>K</math>)</p>
<p>۳۶- منیکان سحرگاه دست بر تن دایه میساید، بدگمان میشود، ناگاه از خواب بیدار میشود و بانگ برمی‌آورد و دست دایه جادو را میگیرد، ویس خود را به شبستان میرساند و میگوید:</p>

<p>مرو را گفت دستم ریش کردی ز بس کو را کشیدی و فشردی (ویس و رامین، بند ۵۹: ۲۵۰)</p> <p>موبد منیکان، دست دایه را رها کرده و به گمان اینکه اشتباه کرده، از ویس پوزش میطلبد. (حوزه عملیاتی قهرمانان «ویس و رامین»: شرارت، نجات، فیصله مصیبت) (تعریف: شرارت، نشانه: A) (تعریف: نجات و رهایی قهرمانان، نشانه: P<sup>۶</sup>) (تعریف: فیصله مصیبت، نشانه: K<sup>۴</sup>)</p>
<p>۳۷- موبد منیکان به روم می‌رود و ویس را به دژ اشگفت دیوان، روانه می‌کند. رامین در غیبت برادر به یاری دایه به نزد ویس می‌رود و نه ماه را در کنار او سپری می‌کند. (حوزه عملیاتی قهرمان دروغین «موبد»: غیبت) (تعریف: غیبت، نشانه: β) (حوزه عملیاتی قهرمانان «ویس و رامین») (تعریف: جبران و التیام مصیبت، نشانه: K) (مصیبت فیصله مییابد: K<sup>۴</sup>)</p>
<p>۳۸- موبد، پس از بازگشت از روم، از ارتباط ویس و رامین آگاه می‌شود، ویس و دایه را به تازیانه میندند و در دژ زندانی می‌کند، شهرو پس از این پیشامد، هویه‌کنان به نزد موبد می‌رود، دل موبد به رحم می‌آید و ویس را از غور بازگردانده و از گناه رامین میگذرد. (حوزه عملیاتی قهرمان دروغین «موبد»: دریافت خبر، ترحم، آزاد کردن) (تعریف: دریافت خبر، نشانه: S<sup>۳</sup>) (تعریف: ترحم کردن و بخشودن، نشانه: E<sup>۵</sup>) (تعریف: آزاد کردن اسیر، نشانه: E<sup>۴</sup>) (حوزه عملیاتی قهرمان «ویس»: نجات، بازگشت) (تعریف: نجات و رهایی، نشانه: PS) (تعریف: بازگشت، نشانه: ↓) (حوزه عملیاتی تبهکار و یاریگر برای «ویس»: درخواست ترحم) (تعریف: درخواست بخشش و ترحم، نشانه: D<sup>۵</sup>)</p>
<p>۳۹- ویس و رامین همچنان با یاریگری دایه، روزگار میگذرانند. شه موبد نگون‌بخت آن دو را میبخشد، تا اینکه سخنگویی با نام «به‌گوی»، رامین را اندرز می‌دهد که دل از ویس بر کند و مرو را ترک کند، موبد نیز ویس را پند می‌دهد که دیگر بیش از این موجب سیه‌روی شاه نگردد و ویس به وفاداری شاه سوگند می‌خورد. (حوزه عملیاتی قهرمان «رامین»: عزیمت) (تعریف: عزیمت، نشانه: ↑) (حوزه عملیاتی یاریگر (به‌گوی): کارسازی مصیبت) (تعریف: کارسازی مصیبت یا کمبود، نشانه: K)</p>
<p>۴۰- رامین در گوراب، دل‌باخته دختری به نام گل می‌شود و با او ازدواج می‌کند. (حوزه عملیاتی قهرمان «رامین»: فیصله مصیبت، ازدواج) (حوزه عملیاتی قهرمان «رامین»: عزیمت) (تعریف: فیصله مصیبت (حوزه عملیاتی قهرمان «رامین»: عزیمت) نشانه K<sup>۴</sup>) (تعریف: ازدواج، نشانه: W<sup>**</sup>)</p>
<p>۴۱- رامین، پس از مدتی از عشق «گل» بیزار می‌شود و به نزد ویس می‌رود و پس از گله‌ها و راز گفتنها، پوشیده از چشم شاه، روزگار سپری می‌کنند. (حوزه عملیاتی قهرمان «رامین»: نیاز، التیام مصیبت) (تعریف: نیاز، نشانه: a) (تعریف: بازگشت، نشانه: ↓) (تعریف: التیام مصیبت یا کمبود، نشانه: K)</p>
<p>۴۲- در وقت بهار، رامین به همراه شه موبد، به شکار می‌رود ویس مهجور هجر رامین از دایه چاره خواسته، دایه او را برمینگیزد تا پیش از اینکه موبد بر او شام بخورد به یاری رامین، شهرو و ویرو، تاج شاهی را تصاحب کند. (حوزه عملیاتی قهرمان «رامین»: غیبت) (تعریف: غیبت یا رفتن جوانتران، نشانه: β<sup>۳</sup>) (حوزه عملیاتی قهرمان دروغین «موبد»: غیبت) (تعریف: غیبت یا رفتن بزرگترها، نشانه: β<sup>۱</sup>)</p>

<p>(حوزه عملیاتی یاریگر «دایه»: شرارت، اغواگری) (تعریف: شرارت، نشانه: A) (تعریف: اغوای فریبکارانه، نشانه: <math>\eta^1</math>)</p> <p>(حوزه عملیاتی قهرمان «رامین»: غیبت) (تعریف: قیمت یا رفتن جوانتران، نشانه: <math>\beta^3</math>)</p> <p>(حوزه عملیاتی قهرمان دروغین «موبد»: غیبت) (تعریف: غیبت یا رفتن بزرگترها، نشانه: <math>\beta^1</math>)</p> <p>(حوزه عملیاتی یاریگر «دایه»: شرارت، اغواگری) (تعریف: شرارت، نشانه: A) (تعریف: اغوای فریبکارانه، نشانه: <math>\eta^1</math>)</p>
<p>۴۳- به یاری‌گری دایه، ویس نامه‌ای به رامین نوشته و او را به مرو فرامیخواند و به تدبیر دایه در آتشگاه خورشید با یکدیگر دیدار میکنند و با چهل دلاور جنگی به سوی کهندژ رفته و شباهنگام شبیخون زده و از کشته، پشته ساختند، در این جنگ، «زرد» در پی مقاومت در برابر رامین، به دست او کشته شد.</p> <p>(حوزه عملیاتی قهرمانان «ویس و رامین»: مأموریت کار دشوار، عزم نابودی، جامه جدید، کشمکش، پیروزی)</p> <p>(تعریف: مأموریت کار دشوار، نشانه: M) (تعریف: عزم نابودی، نشانه: <math>D^A</math>) (تعریف: اقدام برای نابودی، نشانه: <math>Pr^e</math>)</p> <p>(تعریف: لباس جدید، نشانه: <math>T^2</math>) (تعریف: کشمکش جنگ، نشانه: H) (تعریف: پیروزی در نبرد قهرمانان، نشانه: <math>E^9</math>)</p> <p>(تعریف: پیروزی در میدان جنگ، نشانه: <math>I^1</math>) (تعریف: پیروزی بر شیر، نشانه: I)</p>
<p>۴۴- رامین به دیلم میرود و بر تخت شاهی مینشیند، موبد درصدد جنگ با رامین بود، اما در شبی مورد حمله گزازی شرزه قرار میگیرد و جان میسپارد. با مرگ موبد، بزرگان، رامین را شاهنشاه میخوانند. ویس و رامین به وصال یکدیگر میرسند و صاحب دو فرزند با نامهای خورشید و جمشید میشوند. پس از مرگ ویس، رامین خورشید را به پادشاهی برگزید و در دخمه ویس، پارسایی گزید و در پایان جان به جان آفرین تسلیم کرد.</p> <p>(حوزه عملیاتی قهرمان دروغین «موبد») (تعریف: کشتن بی جنگ، نشانه: <math>I^5</math>)</p> <p>(حوزه عملیاتی قهرمان «رامین»: ازدواج، نشستن بر تخت شاهی، نجات و رهایی) (تعریف: ازدواج، نشانه: <math>W^{**}</math>)</p> <p>(تعریف: نشستن بر تخت شاهی، نشانه: <math>W^*</math>) (تعریف: نجات و رهایی قهرمان، نشانه: PS)</p>

### تحلیل ساختار روایی منظومه ویس و رامین بر اساس الگوها و عناصر داستان

جهت تحلیل ساختاری، شناخت واحدها و آگاهی از ساختار آنها اهمیت بسیاری دارد؛ که در این زمینه از روش ولادیمیر پراپ استفاده میشود؛ سپس روابط متقابل واحدها به لحاظ ساختاری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و تصریح میشود که ترکیب واحدها در چه فرمی شکل گرفته است. در تحلیل ساختار روایی داستان، موضوع روایت، راوی زاویه دید، موقعیت، فضای داستان، بررسی تیپ شخصیتی، خویشکاری شخصیتها، نقشمایه، پیرنگ و تعلیقات مربوط به آن حائز اهمیت است که در این بخش هر یک از این عناصر مورد بررسی قرار میگیرند.

چنانکه پیشتر اشاره شد، ویس و رامین روایتی پارتی است و منظومه فخرالدین اسعد گرگانی یکی از آثار کلاسیک ارزشمند در حوزه اشعار غنایی است که با تحلیل ساختاری و تعاریف خویشکاری شخصیتهای مختلف آن، میتوان به شرایط اجتماعی، عقاید، باور و آداب و رسوم اقوام پارتی پی برد.

ویس بزرگزاده‌ای پارتی است که مبتلای عهد و سوگند شاه موبد و مادرش شده است؛ دختری که نخست برای همسری برادر برگزیده میشود بی‌آنکه پیوندش سر گیرد، اسیر خودخواهیهای عشق موبد پیر میشود. پس از آن با فسون دایه، پای در گل عشق رامین میشود. ویس اما در عشق رامین، خالص و بیریاست، اگرچه با ترس و داشتن همسر، قدم در راه عشق رامین مینهد، اما همچنان به او وفادار میماند و از خودگذشتگی میکند. رامین اما پسری

هوسباز است که برای رسیدن به خواسته‌اش، با دایه هم‌آغوشی میکند، به برادرش خیانت میکند و با دیدن گل، هرچند کوتاه، ویس را هم فراموش میکند.

ویس آنگاه که رامین را میبیند، بر او عاشق و عاشقتر میشود، اگرچه از یک زاویه به همسرش خائن است، اما او را باید مأخوذ هوس مادر و مسحور سحر دایه دانست، باری رابطه ویس و رامین، با همه چالشها و گره‌هایی که دارد، به وصال نیک، فرجام میگیرد. موضوع منظومه ویس و رامین، عاشقانه است و فکر مرکزی این داستان بر تعلق، عشق و وصال است. منظومه ویس و رامین روایی است و حجم زیادی از متون روایی بر توصیف متمرکز است. به این ترتیب در این منظومه کاربرد موتیفهای ایستایی و درنگهای توصیفی، موجب افزایش حجم متن نسبت به عرضه رخدادها شده است و برخی از این وصفها نیز در ایجاد تعلیق و گسترش پیرنگها نقش داشته و زمینه‌ساز کنشهای قهرمانان نیز شده است.

حقیقت‌مانندی در منظومه ویس و رامین نیز امری آشکار است. با توجه به رنگ فکری آن دوران، از وضعیت زنان در خانواده، نقش دایگان و ندیمان در شناساندن و رساندن عاشق و معشوق و همچنین پیشینه زن‌سالاری و سیر تدریجی به فرهنگ مردسالاری، تصور قابل قبولی در این منظومه وجود دارد. ضمن اینکه چنین عشقی در دوران کنونی نیز هست.

در این منظومه از روای سوم شخص یا دانای کل استفاده شده و بسیاری از واگویی‌های ذهنی شخصیتها، از زبان روای بیان میشود. روای سوم شخص با آگاهی از محتوا و فرجام روایت، تعلیقاتی را در ذهن خواننده به وجود می‌آورد. طرح آغازین منظومه ویس و رامین با دلدادگی شاه موبد به شهر، همسر قارن، شکل میگیرد و با عهد غیرمعمول آن دو، نخستین گره به وجود می‌آید. پس از مدتی وضعیت به حالت متعادل برمیگردد و پس از آن، نیروی آشفته‌ساز دیگری، که همان پیمانجویی موبد و عهدشکنی شهروست، وضعیت را تغییر داده و رخدادی را رقم میزند. گره‌افکنیهای ویس و رامین برحسب موقعیتهای دشواری است که مادر ویس و شاه موبد، به وجود آورده‌اند و این گره‌ها در پی عشق موبد به ویس و الزام و اجبار او شدت میگیرد.

پیرنگ این منظومه در چهار طرح بیان میشود:

۱. عشق موبد به شهر و پیمان نابخردانه آنها با یکدیگر.
۲. عشق ویس به رامین و رشته پرگره وصال آن دو.
۳. عشق و وفاداری شاه موبد به ویس و گره‌های پیرامون آن که در نهایت به مرگ موبد مینجامد.
۴. پیوند رامین با گل و چالشهایی که در عشق او به رامین به وجود می‌آید.

در این منظومه هر یک از پیرنگها در توالی نظام علی و معلولی است. در پیرنگ اصلی این ژانر عاشقانه، گره‌ها و تعلیقاتی وجود دارد که با حضور، تدبیر و افسون بازیگران به انجام رسیده و گشوده میشود. گره‌گشاییهای رابطه عاشقانه ویس و رامین از سوی دایه است. دایه در این داستان نقش کاتالیزور و رابط را دارد؛ چنانکه بعد از جدایی رامین از ویس، باز درصدد وصال دو دلداده برمی‌آید. یکی از بحرانهای فکری ویس پس از ویرو، سحربرانگیزی دایه، به قصد دلدادگی ویس به رامین است که این بحران در پی تقابل ویس و رامین، سیر صعودی یافته و با مرگ موبد به اوج میرسد، اما این بحران در نهایت به کام ویس و رامین می‌گردد.

ناکامیهای ویس از ویرو و رامین نیز تعلیقاتی را موجب میشود که خواننده در پی همدلی و گاهی همزادپنداری، نسبت به ادامه ماجرا کنجکاو و مشتاق می‌گردد؛ همچنین موانعی که در وصال ویس و رامین وجود دارد همچنان برانگیز است. از بعد دیگر، عشق موبد به ویس، علیرغم همه خیانت‌های او، همچنان خواننده را به چگونگی

پایان سرنوشت محتوم و تأسف‌برانگیز موبد برمینگیزاند. با توجه به نقشمایه‌های منظومه ویس و رامین، شخصیتها و به تبع آن کنشهای محدود و مشخصی وجود دارد که در پیشبرد روند داستان نقش دارند؛ در این داستان هر شخصیتی نقشی مشخص را به عهده دارد و به این ترتیب دو دسته از کنشگران فاعلی و مفعولی به ظهور میرسند. ویس و رامین در زمره کنشگران فاعلی و موبد و گل جزو کنشگران مفعولی، قربانی و بهره‌ور به شمار میروند. از زاویه تقسیم‌بندی پراپ، هفت نقشمایه در این منظومه وجود دارد که در شخصیت‌های کنشگر و کنش‌پذیر تقسیم میشوند. بنا به نظر پراپ، سه رابطه میان شخصیتها و کارکردها وجود دارد:

الف) شخصیتها با یک حیطة کنش، سروکار دارند.

ب) یک شخصیت در شماری از حیطة‌های کنش شرکت میکند.

ج) یک حیطة کنش میان عده‌ای از شخصیت‌های مختلف تقسیم میشود (پراپ، ۱۳۶۸: ۱۲۳).

با توجه به نظر پراپ، شاه موبد در شماری از حیطة‌های کنش دخالت دارد؛ از یک زاویه، عاشق و کنش‌پذیر مفعولی است و در بعد دیگر داستان، در نقش شریر و کنشگر فاعلی ظاهر میشود، یا دایه در هوس‌بازیش با رامین، نقش قربانی را دارد، و زمانی که با جادوی سخنش ویس را بر رامین عاشق میکند، نقش کنشگر فاعلی را دارد، و در جایی دیگر که به موبد منیکان وفادار میماند، کنش‌پذیر مفعولی است.

★	خلاصه کارکردهای ویس و رامین
۱	صحنه آغازین (a)
۲	نیاز (a)
۳	غیبت ( $\beta$ )، انتقال مکانی (G)
۴	امر ( $r^2$ )، نهی ( $r^1$ )
۵	واکنش (E)
۶	مقابله آغازین (C)، کشمکش (H)
۷	تعقیب (Pr)، اقدام برای نابودی ( $Pr^6$ )
۸	شرارت (A)
۹	فریبکاری ( $\eta$ )
۱۰	عزم نابودی ( $D^A$ )
۱۱	میانجیگری (B) ربط‌دهنده (8)
۱۲	کارسازی مصیبت (K)
۱۳	تغییر شکل (T)
۱۴	حل مسئله (N)
۱۵	عزیمت ( $\uparrow$ ) بازگشت ( $\downarrow$ )
۱۶	عامل جادویی (F)
۱۷	پیروزی بر شریر (I)
۱۸	ازدواج (W)



### تجزیه و تحلیل عناصر داستان

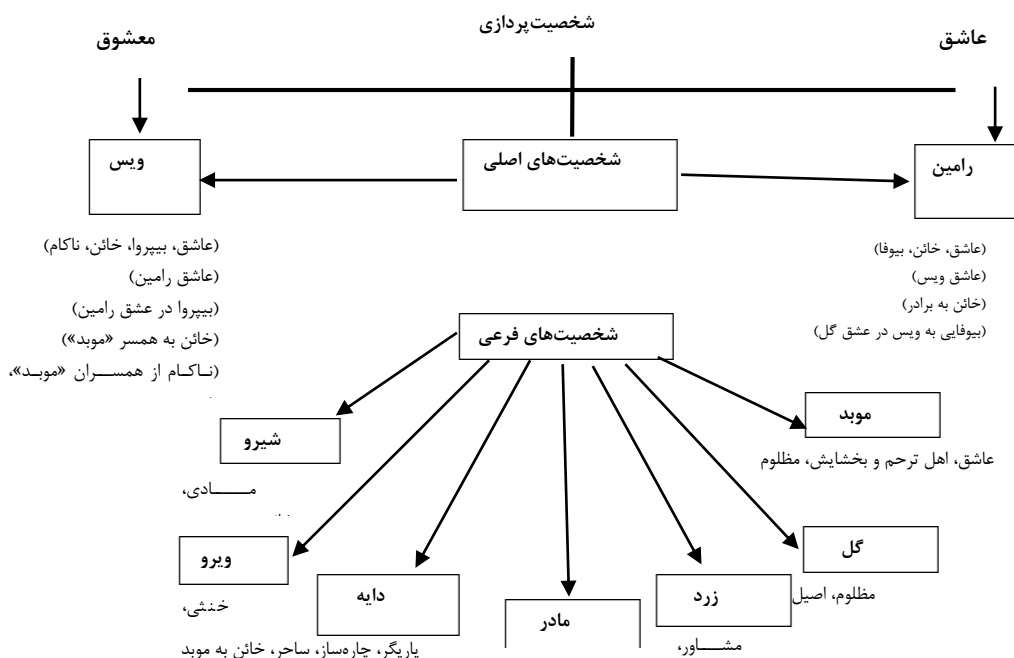
**پیرنگ در منظومه ویس و رامین:** طرح اولیه داستان، مضمونی عاشقانه و غنایی دارد: عشق دو دل‌داده با نامهای ویس و رامین که وصال آنها با فراز و نشیب‌هایی همراه است. ویس محکوم عهد شاه موبد و مادرش است و مجبور و ملزم به پیوندی ناخواسته میشود. ویس در عشق به رامین، با گره‌افکنیهای بسیاری مواجه میشود. داستان پیرنگی استوار با تعلیقات مشخص دارد که خواننده را به خوانش ادامه داستان ترغیب میکند؛ همچنین برخی موتیفهای توصیفی در ایجاد تعلیق و کنشهای روایی نقش عمده‌ای دارد.

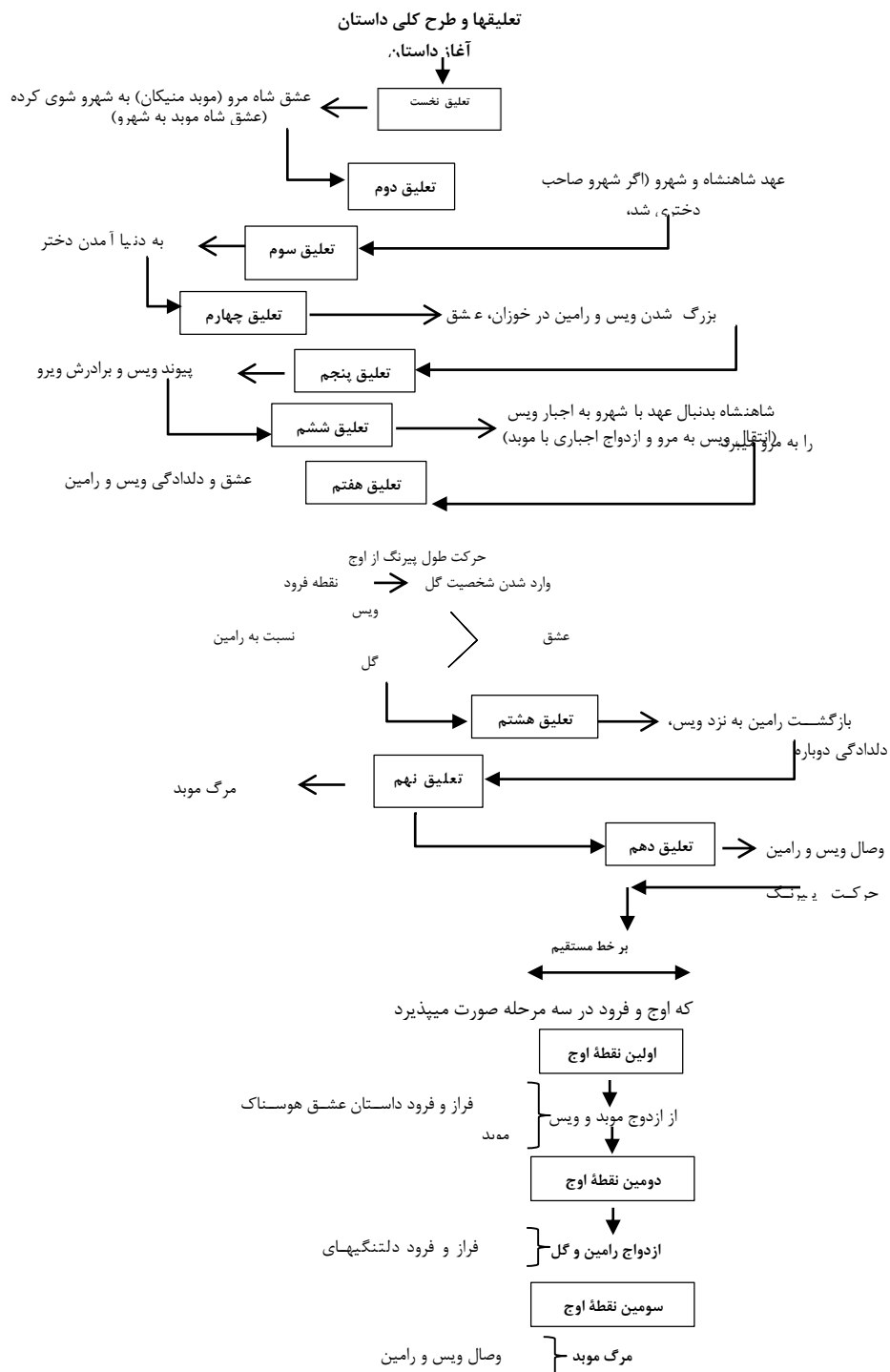
**راوی در منظومه ویس و رامین:** در این منظومه، وقایع از زاویه دید سوم شخص مفرد یا دانای کل گزارش و پردازش شده است. راوی داستان با آگاهی به زوایای ذهنی پنهان شخصیتها و اشراف مکانی و فرامکانی رخدادها و موتیفهای ایستایی، در صورت و قالب شخصیتها، تعلیقات هیجانی بسیاری را ایجاد میکند.

### شخصیتها یا کنشگرها در منظومه ویس و رامین

شخصیت‌های داستان محدود هستند و برخی از شخصیتها در پیشبرد روند داستان تأثیر بسزایی دارند و برخی با حضور کم‌رنگ خود، اتفاقات مهمی را رقم می‌زنند. در این داستان، ویس و رامین شخصیت‌های کنشگر فاعلی یا تأثیرگذار هستند؛ موبد، گل و ویرو در زمره کنش‌پذیرهای مفعولی، قربانی و بهره‌ور به شمار می‌روند. لازم به ذکر است که اغلب شخصیت‌های این منظومه توأمانی از صفات خوب و بد هستند. برای مثال ویس همچنانکه به عشق رامین وفادار است، به همسرش خیانت میکند؛ رامین در عشق به ویس وفادار نیست، به برادرش خائن است، ضمن اینکه در عشق به ویس، با دایه هم‌آغوشی میکند؛ دایه چون مادری به ویس و رامین عشق می‌ورزد، اما به موبد هم خیانت میکند.

نمودار شخصیت‌های منظومه





### نتیجه‌گیری

ولادیمیر پراپ در پی بررسی صد حکایت پریان روسی به این نتیجه رسید که همه حکایتها ضمن داشتن پرسوناژهای مختلف، به سی‌ویک کارکرد مشخص و هفت حوزه کنش محدود میشوند. اساطیر، روایات و حکایات کهن، پیش‌نمونه و الگوی داستانهای اعصار و دوره‌های بعدی محسوب میشوند؛ ضمن اینکه اساطیر از کهن‌الگوی دیرینه‌ای شکل گرفته‌اند. بر این اساس همه این داستانها ضمن داشتن پرسوناژهای متغیر، خویشکاری، کارکرد و کنشهای محدود و مشخصی دارند و به این ترتیب ولادیمیر پراپ در بررسی حکایات پریان روسی، سی‌ویک کارکرد و هفت حوزه کنش را شناسایی کرد.

داستان عاشقانه ویس و رامین نیز بر اساس الگوی ساختارگرایی ولادیمیر پراپ، قابل تبیین است. ویس و رامین ژانر و لحنی عاشقانه و دراماتیک دارد و شاعر غنایی‌سرای داستان با نگاه عاشقانه و زبان پرغناي خود، به روایت پرداخته است. در این ژانر عاشقانه، کنشهای ثابت در اشخاص مختلف به ظهور میرسد؛ به این ترتیب نام و صفت قهرمانان اگرچه تغییرپذیر است، اما فونکسیون ثابتی وجود دارد؛ با این وصف، ویس و گل، موبد و رامین، رفیدا و زرین‌گیس، زرد و دایه، به ترتیب خویشکاریهای مشترک دارند، اما برخی رفتار و صفات متمایز و منحصربفردی نیز در این اشخاص دیده میشود؛ بطوری که دایه و زرد، علاوه بر کنش مشترک یاریگری، شهوتران و جاه‌طلب نیز هستند؛ همچنین برخی کنشها در اشخاص مختلف، شدت و ضعف دارند؛ برای مثال ویس و گل، اگرچه عاشق هستند، اما ویس در عشق خود، بیپروا، فداکار و ازخودگذشته نیز هست و در برابر، گل عشقی آمیخته با غیرت و تعصب دارد. این منظومه ده تعلیق، سه نقطه اوج و هفده کارکرد دارد. شخصیتها به دو دسته اصلی و فرعی تقسیم میشوند که ویس و رامین در زمره شخصیت‌های اصلی و موبد، شیرو، دایه، ویرو، زرد و گل جزو شخصیت‌های فرعی به شمار میروند. از زاویه تقسیم‌بندی پراپ، هفت نقش‌مایه در این منظومه وجود دارد که در شخصیت‌های کنشگر و کنش‌پذیر تقسیم میشود. ویس و رامین در زمره کنشگران فاعلی، و موبد و گل جزو کنشگران مفعولی، قربانی و بهره‌ور به شمار میروند. به این ترتیب بر اساس الگوی ساختارگرایی ولادیمیر پراپ، میتوان به این نتیجه رسید که در داستانهای غنایی هم با وجود صورتهای مختلف و تعدد شخصیتها، خویشکاری، کارکرد و کنشها محدود و مشخص هستند.

### تشکر و قدردانی

نویسنده بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی شهر ری که نویسنده را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نماید.

### تعارض منافع

نویسنده این مقاله گواهی مینماید که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی نویسنده است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارد. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرد.

## REFERENCES

- Alavi Moghaddam, Mahyar. (2013). Theories of contemporary literary criticism (formalism and structuralism) with an overview of the application of these theories in Persian language and literature. Tehran: Samt.
- As'ad Gorgani, Fakhroddin. (1958). Weiss and Ramin. To the attention of Mohammad J'afar Mahjoub. Tehran: Andisheh publishing house.
- Brents, Yohas. (2007). Basics of literary theory. Translated by Mohammad Reza Abul Qasemi. Tehran: Mahi.
- Dobro, Heder. (2015). Genre (literary type). Translated by Farzaneh Taheri. Tehran: Markaz.
- Eagleton, Terry. (1989). An introduction to literary theory. Translated by Abbas Mokhber. Tehran: Markaz.
- Giddens, Anthony. (1999). Sociology. Translated by Manouchehr Sabouri Kashani, Tehran: Ney.
- Harland, Richard. (2015). A historical contribution to literary theory from Plato to Barthes. A group of translators under the supervision of Shapour Jurkesh. Tehran: Cheshme.
- Makarik, Irnarima. (2013). Encyclopaedia of Contemporary Literary Theories. Translated by Mehran Mohajer and Mohammad Nabavi. Tehran: Agah.
- Propp, Vladimir. (1998). Morphology of fairy tales. Translated by Fereydoun Badri. Tehran: Toos.
- Raf'atkah, Fatemeh & Tasnimi, Ali. (2015). "Analysis of the story of Weiss and Ramin based on the theories of narratology", *the 11th international meeting of the Persian Language and Literature Promotion Association*, Gilan University, pp. 1774-1747.
- Sayfzadeh, Seyyed Hasan. (2000). Modernity and new theories of political science. Tehran: Dadgostar.
- Shafiei Kadkani, Mohammad Reza. (2016). Literary resurrection (a lecture on the literary theory of Russian painters). Tehran: Sokhan.
- Todorov, Tzutan. (2006). Literary theory of texts from Russian formalists. Tehran: Akhtaran.

## فهرست منابع فارسی

- اسعد گرگانی، فخرالدین (۱۳۳۷) ویس و رامین. به اهتمام محمدجعفر محجوب. تهران: بنگاه نشر اندیشه.
- اینگلتون، تری (۱۳۶۸) پیش‌درآمدی بر نظریه ادبی. ترجمه عباس مخبر. تهران: نشر مرکز.
- برنتس، یوهاس (۱۳۸۷) مبانی نظریه ادبی. ترجمه محمدرضا ابوالقاسمی. تهران: ماهی.
- پراپ، ولادیمیر (۱۳۶۸) ریخت‌شناسی قصه‌های پریان. ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران: توس.
- تودوروف، تزوتان. (۱۳۸۵) نظریه ادبیات متنهایی از فرمالیستهای روس. تهران: اختران.
- دوبرو، هدر (۱۳۹۵). ژانر (نوع ادبی). ترجمه فرزانه طاهری. چ ۲. تهران: نشر مرکز.

رفعت‌خواه، فاطمه و تسنیمی، علی. (۱۳۹۵) «تحلیل داستان ویس و رامین بر اساس نظریه‌های روایت‌شناسی»، یازدهمین گردهمایی بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی، دانشگاه گیلان، صص ۱۷۴۷-۱۷۷۴.

سیف‌زاده، سید حسن (۱۳۷۹) مدرنیته و نظریه‌های جدید علم سیاست. تهران: دادگستر.

شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۹۶) رستاخیز ادبی (درس گفتارهایی درباره نظریه ادبی صورتگران روس). چ ۴. تهران: سخن.

علوی مقدم، مهیار (۱۳۸۱) نظریه‌های نقد ادبی معاصر (صورتگرایی و ساختارگرایی) با گذری بر کاربرد این نظریه‌ها در زبان و ادب فارسی. چ ۲. تهران: سمت.

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸) جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری کاشانی، تهران: نی.

مکاریک، ایرناریما (۱۳۹۰) دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر. ترجمه مهران مهاجر و محمد نبوی. چ ۴. تهران: آگه.

هارلند، ریچارد. (۱۳۸۵) درآمدی تاریخی بر نظریه ادبی از افلاطون تا بارت. گروه مترجمان زیر نظر شاپور جورکش. چ ۲. تهران: چشمه.

#### معرفی نویسنده

**زهره سرمد:** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

(Email: [zohreh\\_sarmad1@iausr.ac.ir](mailto:zohreh_sarmad1@iausr.ac.ir))

#### COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

#### Introducing the author

**Zohreh Sarmad:** Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Yadegar Imam Khomeini (RAH) Branch, Shahre Ray, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

(Email: [zohreh\\_sarmad1@iausr.ac.ir](mailto:zohreh_sarmad1@iausr.ac.ir))